



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن
موضوع جزئی: قلمرو قاعده - جهت ششم: شمول اخبار من بلغ نسبت به
فتوای فقیه
تاریخ: ۶ بهمن ۱۳۹۴
مصادف با: ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۷
جلسه: ۲۷

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از قلمرو قاعده تسامح، گفتیم جهات متعددی قابل بحث است، تا به اینجا پنج جهت از جهاتی که هر کدام به نوعی تعیین کننده قلمرو این قاعده می‌باشند را مورد بررسی قرار دادیم، از حیث شمول نسبت به اخبار دال بر کراهت، شمول نسبت به اخبار دال بر حرمت، شمول نسبت به اخبار دال بر وجوب، شمول نسبت به خبر ضعیفی که ما علم وجدانی یا تعدی به کذب آن داریم، و شمول نسبت به اخبار ضعیف دال بر فضائل و مناقب و مصائب و مراقد و مساجد.

جهت ششم: شمول اخبار من بلغ نسبت به فتوای فقیه

ششمین جهت که باز به تعیین حدود قاعده و قلمرو قاعده کمک می‌کند، بحث از شمول اخبار من بلغ نسبت به فتوای فقیه یا مجتهد است، اگر فقیهی فتوا به استحباب عملی دهد، آیا اخبار من بلغ شامل این فتوا می‌شود یا نه؟ در حقیقت موضوع مسئله این است، که اگر فقیهی فتوا به استحباب عملی دهد آیا مشمول اخبار من بلغ می‌شود یا نه، به این معنا که فقیه دیگر به استناد فتوای آن فقیه ملتزم به استحباب این عمل شود، همانطور که اگر خبر ضعیف وارد شد، فقیه می‌خواست از این خبر ضعیف طبق نظر مشهور مثلاً استحباب یا حجیت را استفاده کند؟ طبق مبنای مختار صورت مسئله این می‌شود، که اگر فقیهی از ثواب بر عملی خبر دهد آیا مشمول اخبار من بلغ می‌شود یا نه، به این معنا که فقیه دیگر به استناد فتوای این فقیه ملتزم به ترتب ثواب بر آن عمل شود؟

برای اینکه ببینیم آیا فتوای فقیه مشمول اخبار من بلغ می‌شود یا نه، رجوع مجددی به اخبار من بلغ می‌کنیم.

در بعضی از اخبار من بلغ تعبیر «بلغه عن النبی» آمده بود، اما در بعضی دیگر «من بلغه شیء من الثواب، فعمله کان له اجر ذلک»، یک نکته مهم در بررسی شمول اخبار من بلغ نسبت به فتوای فقیه توجه به این نکته است که بلوغ الثواب به چه معنا می‌باشد، اینکه مطلق «بلوغ الثواب» مورد نظر است یا «بلوغ الثواب من ناحیه الشارع»؟ این نکته تعیین کننده است.

نکته دوم که در این اخبار لازم است مورد توجه قرار بگیرد این است که آیا اخبار من بلغ دلالت بر بلوغ ثواب خاص می‌کنند، «كما یظهر من التعبیر بشیء من الثواب» یا دلالت بر ثواب مطلق می‌کنند یعنی مقدار خاصی یا شیء خاصی از ثواب مد نظر نیست.

این دو نکته در اخبار من بلغ بنظر می‌رسد خیلی تعیین کننده است، اینکه «بلوغ الثواب من ناحية الشارع» باشد یا مطلق «بلوغ الثواب» و این که ثواب مطلق مورد نظر است یا ثواب خاص.

این یک ملاحظه ای است که در مورد روایات باید داشته باشیم.

از طرفی هم فتوای فقیه را هم باید مورد بررسی قرار دهیم، در مورد فتوای فقیه دو نظر و دو مبنا وجود دارد:

۱. فتوای فقیه عبارت است از رأی و اعتقاد و نظر فقیه.

۲. فتوای فقیه عبارت است از اخبار از حکم شرعی عن حدس.

ما اگر بخواهیم شمول اخبار من بلغ را نسبت به فتوای فقیه که دال بر استحباب است یا ترتب ثواب بررسی کنیم تابع چند مطلب است:

اولاً: مفاد اخبار من بلغ را چه چیزی بدانیم (این یک مطلب کلی است که در همه جهات پنجگانه گذشته تاثیر گذار بود و در اینجا هم تاثیر گذار است)، اینکه ما بلوغ الثواب را که موضوع اخبار من بلغ است چگونه معنا کنیم، آیا «بلوغ الثواب عن الشارع» مراد است یا مطلق بلوغ الثواب؟

ثانیاً: اینکه فتوای فقیه را چه بدانیم، صرف رأی و عقیده بدانیم یا «اخبار عن حدس».

طبیعتاً هر کدام از این فروض یک نتیجه خاصی دارد، حداقل این است که در اینجا چهار فرض پیدا می‌شود، باید ببینیم کدام یک از اینها قابل استفاده است و صحیح می‌باشد.

الف) مقام ثبوت

۱) اگر ما بگوییم موضوع اخبار من بلغ عبارت است از «بلوغ الثواب عن الشارع»، در اینجا طبیعتاً در صورتی که فتوای مجتهد را عبارت از رأی و نظر و اعتقاد او بدانیم، اخبار من بلغ فتوای فقیه را در بر نمی‌گیرد، چون رأی و نظر مجتهد در حقیقت هر چند مبین ثواب یا استحباب باشد، اما صدق عنوان «بلوغ الثواب من ناحية الشارع» آن او نمی‌شود، ولی اگر فتوای فقیه را عبارت از اخبار از حکم شارع بدانیم «عن حدس» آنوقت مشکلی از حیث «بلوغ الثواب من ناحية الشارع» به یک معنا نداریم، چون طبق فرض فتوای فقیه به معنای اخبار از حکم شرعی است، ولی یک مشکلی دارد و آن اینکه اخبار فقیه از حکم شرعی اخبار حدسی می‌باشد، ولی ظاهر اخبار من بلغ با توجه به این احتمال که «بلوغ من ناحية الشارع» مد نظر باشد اخبار حسی است، «من بلغه شیء من الثواب»، یعنی بلوغ به طریق خبر حسی باشد، «فله کان کذا» پس از حیث اخبار از شارع مشکلی ندارد، مشکل از آن جهت است که این اخبار «عن حدس» است.

۲) اگر هم بگوییم موضوع اخبار من بلغ «بلوغ الثواب» است مطلقاً، چه اخبار از شارع باشد، (وقتی می‌گوییم اخبار از شارع، یعنی یک خبری که به هر حال با وساطتی مستند شده به یکی از مصادر تشریح، اهل بیت علیهم السلام یا پیامبر، بالاخره این اخبار از آنها است) چه غیر شارع، ظاهر روایت مطلق است، این «بلوغ الثواب» هر چند از ناحیه یک فقیه

باشد، چون لازم نیست مستقیماً یا با وسائلی به امام معصوم برسد بلکه همین که یک فقیهی فتوا دهد این هم بلوغ الثواب است «یصدق علیه أنه بالغ الثواب» آن هم ثواب را برای ما ابلاغ می‌کند، در این فرض (که موضوع اخبار من بلغ صرف بلوغ الثواب و مطلق بلوغ الثواب باشد نه بیشتر)، دو صورت دارد، تارة ما فتوای فقیه را به معنای رأی و نظر و اعتقاد می‌دانیم، و اخیری به معنای اخبار حدسی از حکم شرعی، اگر فتوا را به معنای رأی و نظر و اعتقاد بدانیم، قهراً چون رأی و نظر و اعتقاد او بی وجه نیست و مستند به یک دلیل است، آنوقت می‌توانیم بگوییم اخبار من بلغ شامل فتوای فقیه می‌شود، چون فتوای فقیه هم به نوعی بر آن بلوغ الثواب صدق می‌کند ولی یک مشکلی دارد، و آن این که، فتوای فقیه ثواب خاص را بیان نمی‌کند، بلکه اصل ثواب یا اصل استحباب را بیان می‌کند، (چون هیچ فقیهی فتوا نمی‌دهد اگر شما این کار را انجام دهید فلان مقدار ثواب می‌برید بلکه اصل استحباب یا ثواب را بیان می‌کنند)، در حالی که اخبار من بلغ مبین ثواب خاص است، لذا مانع در این فرض نه از حیث صدق عنوان عنوان بلوغ الثواب است، بلکه از این جهت است که فتوای فقیه مبین ثواب خاص نیست، و اخبار من بلغ مبین مقدار خاصی از ثواب است.

اگر هم فتوای فقیه را اخبار از حکم شرعی بدانیم، مشکلی از حیث بلوغ الثواب نداریم، چون بلوغ الثواب در اینجا صدق می‌کند، ولی بازهم مشکل این است که در این فرض اولاً اخبار از ثواب خاص است، چون اخبار من بلغ مبین ترتب ثواب بر خبری هستند که ثواب خاصی را بیان می‌کند، ولی آنچه که فتوای مجتهد بر آن دلالت می‌کند مقدار خاصی از ثواب نیست.

پس، اگر همه فروض مسئله را در نظر بگیریم، چه بگوییم اخبار من بلغ موضوعشان «بلوغ الثواب من ناحية الشارع» است، چه بگوییم موضوع اخبار من بلغ «بلوغ الثواب» مطلقاً است، از آن طرف هم چه فتوای فقیه را به معنای رأی و نظر مجتهد بدانیم، چه به معنای اخبار حدسی از حکم شرعی، در همه این چهار صورت راه برای شمول اخبار من بلغ مسدود است، اخبار من بلغ در هر یک از این چهار صورت شامل فتوای فقیه نمی‌شود.

آنچه تا به اینجا گفته شد، به نوعی مربوط به مقام ثبوت می‌شود، گفتیم ثبوتاً اخبار من بلغ از این فروض خارج نیستند، فتوای مجتهد هم از این فروض خارج نیست. همه فروض را در دلیل شامل و همه فروض را در موضوع مشمول بررسی می‌کنیم، و می‌گوییم طبق هر دو فرض مربوط به اخبار من بلغ و هر دو فرض مربوط به فتوا (که مربوط به موضوع این دو می‌باشد)، شمول مبتلا به مانع است، در مورد اخبار من بلغ غیر از مسئله «بلوغ الثواب» یا «بلوغ الثواب من الشارع»، این نکته را هم داشتیم که بالاخره این مبین مقدار ثواب هم می‌باشد، لذا دیدید بعضی از این اشکالات از این ناحیه پدید آمد، پس به حسب مقام ثبوت همه فروض مبتلا به مانع است.

حال با ملاحظه مقام اثبات هم بررسی کنیم ببینیم مسئله چگونه است.

ب) مقام اثبات

از نظر مقام اثبات، باید ببینیم ظاهر اخبار من بلغ کدام است؟ ظاهر اخبار من بلغ «بلوغ الثواب» است یا «بلوغ الثواب من ناحية الشارع»؟

باید تحلیل شود که «من بلغه شیء من الثواب» به چه معنا است، «بلوغ الثواب» یعنی ثوابی به شما ابلاغ شود، یا طبق مبنایی که مشهور گفته اند، استحباب برای شما بیان شود؟ از ناحیه شارع یا مطلقاً؟

ظاهر این روایات این است که بلوغ ثواب از ناحیه شارع و از طریق خبر باشد، اخبار از ثواب شود، ظاهر «بلغه شیء من الثواب» یعنی اخبار شیء از ثواب، آن هم از طریق وسائلی که در سند روایت است، «عن النبی» نه اینکه بخواهد تقیید بزند، در اینجا می‌خواهد توضیح دهد، که بلوغ ثواب از ناحیه شارع باشد، فتوای فقیه اخبار عن الثواب نیست، ظاهر آن این است، که یک کسی خبری به شما می‌دهد، و معمولاً خبر هم باید «عن حس» باشد، ولو یک خبر ضعیف، ولو راوی آن ضعیف است، ظاهر بلوغ ثواب به نظر نمی‌آید مطلق باشد، گمان بنده این است که «بلوغ الثواب عن النبی» هم شاهد و مؤید این است، اصلاً نفس بلوغ الثواب و تعبیر به بلوغ، و تناسب حکم و موضوع در این مقام اقتضاء می‌کند که اخبار عن ناحية الشارع باشد. پس مقصود «بلوغ الخبر» است، بلوغ خبر در رابطه با ثواب، آن هم «عن حس» منتهی مخبر آن ضعیف است.

لذا مجموعه قرائن اقتضا می‌کند اخبار من بلغ ناظر به موردی باشد که خبر ضعیف «عن حس» از یک ثوابی داده شود آنوقت آن ثواب بر آن مترتب می‌شود. در مواردی که کسی «عن حدس» چیزی را بیان می‌کند اطلاق عنوان اخبار بر آن مشکل است، خبر یک واقعیتی باید داشته باشد که این حاکی از آن باشد، در جایی که کسی از مخبر عنه صرفاً به طریق حدس می‌خواهد چیزی را بگوید، اصلاً اطلاق خبر در آن مسامحه است.

لذا گمان بنده در رابطه با اخبار من بلغ این است که موضوع اخبار من بلغ «بلوغ الثواب» بمعنای «بلوغ الخبر الدال علی الثواب من ناحية الشارع» است، مخصوصاً با توجه به مبنایی که داشتیم، که غرض شارع تحفظ بر مستحبات است. اما در مورد این مطلب که فتوا را به معنای رأی بدانیم یا به معنای اخبار از حکم شرعی باید در جای خودش بحث شود که کدام یک از این دو می‌باشد.

نتیجه

الف) با توجه به آنچه که ما در مورد مدلول اخبار من بلغ اختیار کردیم، به نظر می‌رسد اخبار من بلغ شامل فتوای فقیه نمی‌شود یعنی اگر فقیهی فتوا دارد به ترتب ثواب بر عملی یعنی کسی که این را عمل انجام دهد، بواسطه اخبار من بلغ ثواب به او داده شود، این از روایت استفاده نمی‌شود.

دلایل آن را هم گفتیم که اولاً موضوعاً بلوغ الثواب بر فتوای فقیه صدق نمی‌کند، چه فتوا را به معنای رأی و نظر بگیریم چه به معنای اخبار از حکم شارع عن حدس بگیریم، چون اخبار من بلغ خبر ضعیف «عن حس» را در بر می‌گیرد نه خبر «عن حدس» را، لذا شامل فتوای فقیه نمی‌شود.

ب) اگر گفتیم مدلول اخبار من بلغ حجیت است، یعنی خبر ضعیف به استناد اخبار من بلغ حجت می‌شود، باز هم شامل فتوای فقیه نمی‌شود، چون به استناد اخبار من بلغ خبر ضعیف حجت می‌شود نه فتوای فقیه، و لذا فتوای فقیه را در حق فقیه دیگر حجت نمی‌کند.

پس طبق مبنای حجیت هم اخبار من بلغ شامل فتوای مجتهد نمی‌شود.

ج) طبق مسلک استحباب و اینکه اخبار من بلغ استحباب عمل را ثابت می‌کنند، چه به طریق محقق اصفهانی، چه به طریق محقق خراسانی، باز هم اخبار من بلغ شامل فتوای فقیه نمی‌شود، چون آنچه اخبار من بلغ بر آن دلالت می‌کند، استحباب نفس العمل است، ولی فتوای به استحباب با عمل استحباب فرق دارد.

فتحصل مما ذکرنا کله، که اخبار من بلغ شامل فتوای فقیه نمی‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»